این خانه، دیگر سیاه نیست

به بهانه روز جهانی حمایت از بیماران جذامی



عکس: احمدحسنی/شهرآرا

جاوید

انزوا، قرنطینه، طردشدن از سوی عزیزترین آدم‌های زندگی و سرانجام خاموشی و مرگ در تنهایی. این چهره‌ای بود از مبتلایان به جذام که روزگاری نه‌چندان دور، در فیلم «خانه سیاه است» فروغ فرخزاد نمایش داده شد تا شاید مردم عادی، قدری معنی رنج این بیماری را بفهمند؛ بیمارانی که «خوره» به جان چشم، صورت، دست و پایشان افتاد و در قرنطینه‌ای دائمی حبسشان کرد.

بیش از ۹۰سال است که آسایشگاهی در مشهد همچون آسایشگاه باباباغی تبریز، پناهگاه زنان و مردان جذامی است. این آسایشگاه‌ها تا همین چنددهه پیش، ۳هزار بیمار جذامی را نگهداری و مراقبت می‌کردند اما این روزها کمتر از ۳۰نفر ساکن آن هستند. بعضی از بیمارانی که به مشهد آمدند، همین‌جا ماندگار شدند. عمر خیلی‌هایشان تمام شده است و بیشتر آدم‌های مانده از این بیماری حالا دست‌کم هفتادساله هستند. علاوه‌براین چهره جذام دیگر آن‌قدر سیاه و زشت نیست، که همه را به وحشت بیندازد، مانده‌هایشان در میان مردم زندگی می‌کنند و به قول یکی‌شان «دختر می‌دهند و دختر می‌گیرند.» در روزهایی که بیشترمان قرنطینه را تجربه کرده‌ایم، با همراهی رابط انجمن حمایت از جذامیان مشهد، ساعتی میهمان سالمندانی می‌شویم که قرنطینه را برای سال‌های زیادی تجربه کرده‌اند.

نگذاشتند خیلی اوراق شوم

«دقیق یادم نیست چندساله بودم. پدرم دست مرا گرفت و از روستای اطراف فریمان آمدیم مشهد و یکی‌دوسالی در آسایشگاه محراب‌خان ماندیم.» کبری خانم فکر می‌کند حدود هفتادساله باشد. دقیق نمی‌داند، چون شناسنامه خواهر بزرگ‌تر مرده‌اش را برای او نگه داشته‌اند که پای آن، روز و ماه و سالی از اوایل دهه ۲۰ ثبت شده است. نصفه‌ونیمه یادش می‌آید که بعد از بهبودی نسبی، خانواده‌اش از روستا به مشهد نقل مکان کردند و در یکی از محله‌های اطراف آسایشگاه در خیابان طلاب ساکن شدند. پیرزن با آن صورت مهربان می‌گوید: «زود مرا برای درمان آوردند، نگذاشتند خیلی اوراق شوم» و ریز می‌خندد. گویاوقتی تغییر کوچکی در صورتش پدید می‌آید سریع او را برای درمان به مشهد می‌آورند و از پیشرفت بیماری جلوگیری می‌کنند.

شوهرش غلامرضا هم از همان جذامیان میهمان آسایشگاه بوده است که بخشی از صورت، انگشتان دست و یک پایش دچار شده‌اند. اگرچه چهره‌اش به‌واسطه بیماری تغییر کرده، خوش‌رو و آرام است: «شغلم کشاورزی بود. روزها می‌رفتم سر زمین‌های مردم و شب‌ها برای خواب به آسایشگاه برمی‌گشتم.» آسایشگاهی که به گفته او توجه به آن، از سوی مسئولان، به‌مرور کم و کمتر شد. آن‌ها بعد از ترک آسایشگاه ازدواج کردند و ساکن یکی از خانه‌های اطراف آسایشگاه شدند. زندگی خود را میان مردم شروع کرده‌اند، سه پسر و سه دخترشان بدون نشانه‌ای از بیماری، هم‌بازی بچه‌های دیگر بوده و بزرگ شده‌اند. حالا چهارتا از بچه‌های این زوج سروسامان گرفته‌اند و خودشان هم از زندگی در این محله و میان مردم عین گذشته راضی هستند. زن می‌گوید: همسایه‌ها می‌دانند من و شوهرم جذام داریم اما هیچ‌کس بدرفتاری نکرده است. دختر داده‌ایم و دختر گرفته‌ایم و با مردم رفت‌وآمد داریم. شوهر می‌گوید: قدیم مردم ترس داشتند از جذام اما حالا خیلی‌ها می‌دانند که این بیماری واگیر ندارد.

جذام درمان می‌شود

اگرچه اهالی این محدوده مجذومان را مردمی عادی می‌دانند، کبری‌خانم افراد زیادی را به‌یاد دارد که بدون شناخت از بیماری جذام، از آن‌ها ترسیده‌اند. برای خیلی‌ها جذام یک بیماری عفونی مسری بوده که به‌مرور پوست، چشم‌ها و بینی آدم را می‌خورد و به دیگر اعضای بدن هم سرایت می‌کند اما نمی‌دانسته‌اند این خصلت مسری‌بودن برای جذام خشک نیست و حتی هنوز هم خیلی‌ها نمی‌دانند که خود جذام اکنون درمان می‌شود. درمان نوع کم باسیل این بیماری در شش‌ماه و درمان نوع باسیل‌های بیشتر در ۱۲ ماه انجام می‌شود. ضمن اینکه سازمان بهداشت جهانی، ایران را با آمار انگشت‌شمار مبتلایانش در سال، در دسته کشورهای پاک جهان در این زمینه می‌داند.

نیازی نیست که کبری‌خانم و آقاغلامرضا بدانند براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت زمانی که شیوع یک بیماری در کشوری به یک در هر ۱۰هزار مورد برسد، آن بیماری حذف‌شده محسوب می‌شود و ایران از چندین سال گذشته به این عدد رسیده‌است. آن‌ها با رجوع به حافظه و اطرافشان می‌توانند همین موضوع را جور دیگری بازگو کنند؛ «سال‌هاست که ما بیمار جدیدی را در مشهد ندیده‌ایم.»

آن‌طور که آمارها می‌گوید، تعداد موارد کشف‌شده جذام در ایران در سال ۱۳۷۰ معادل ۱۹۱نفر بوده اما در سال ۱۳۸۶ شیوع این بیماری به ۳۷نفر کاهش یافته است. هم‌اکنون میزان ابتلا به این بیماری در ایران به حدود ۱۰ تا ۲۰مورد در سال کاهش یافته‌است، همین است که این زوج قدیمی بیمار تازه‌ای را ندیده‌اند و «بیمارها همان‌ها هستند که سال‌ها پیش بوده‌اند.»

هیچ‌کس از رفتار آدم‌های سالم، بد نمی‌گوید

مبتلایان این بیماری اغلب مسن و هفتاد تا هشتادساله هستند و این یعنی نسل بعدی آن‌ها بدون مشکلی به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند. بچه‌های این زوج‌ها بیشترشان سالم هستند و در سازمان‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی کار می‌کنند و کمک‌خرج والدینی هستند که یا هرگز قادر به کارکردن نبوده‌اند یا سال‌هاست که زمین‌گیر شده‌اند. بعضی‌ها هم البته خودشان هنوز سر پا هستند و خرج زندگی را درمی‌آورند. رمضانعلی جهانی یکی از آن‌هاست که شش‌فرزند سالم دارد. او که خانه‌اش در محله دیگری است، هر روز برای بسته‌بندی و توزیع خواربار و کمک‌های خیران برای مجذومان، به انبار انجمن در بیمارستان هاشمی‌نژاد می‌آید. آن‌طور که او می‌گوید، برخورد عادی مردم با مجذومان فقط منحصر به همسایگان انجمن نیست و امروز در همه جای شهر، کمتر کسی به جذامیان نگاه منفی دارد. او معتقد است جذامیان افرادی سالم و عادی هستند و می‌گوید: هیچ‌کس از رفتار آدم‌های سالم، بد نمی‌گوید. در منطقه طلاب، همه از این بیماری و آدم‌هایش خبر دارند و سال‌ها کنار هم زندگی کرده‌اند اما آن‌ها هم که مثل من در محله‌های دیگر زندگی می‌کنند، از وضعیت ناراضی نیستند.

او به واسطه شغلش با همه مجذومان مشهد در ارتباط است و می‌گوید: آگاهی مردم از جزئیات بیماری‌ها زیاد شده و بدون ترسیدن از نام بیماری‌ها، با بیماران رفتار انسانی دارند. از سوی دیگر در مواردی آن‌قدر عارضه این بیماری کم است که دیده نمی‌شود؛ مادری می‌شناسم که هشت‌دختر و پسر بزرگ کرده اما مدعی است به‌جز همسر و دختر بزرگش، بقیه خانواده نمی‌دانند او جذام دارد.

فقط ۲۵۴ بیمار در استان باقی مانده‌اند

خبر خوب این است که در اواخر سال ۱۳۹۹ تعداد جذامی‌های باقی‌مانده آن‌قدر کم است که باور اینکه جمعیتی چندهزار نفری، سال‌ها، در آسایشگاه مشهد ساکن بوده‌اند، سخت است. «باقی‌مانده‌ها میانگین سنی بیشتر از ۷۰سال دارند و فقط حدود ۸درصد بیمارانمان چهل تاشصت‌ساله هستند.» محمدرضا ایزدی، قائم‌مقام مدیرعامل انجمن حمایت از جذامیان شعبه خراسان، با این جمله تأکید می‌کند که «در مشهد، نه بیمار جدید داریم و نه بیمار جوان.» او در توضیح آمار اعضای انجمن، به ۱۷۸نفر ساکن مشهد، ۲۳نفر در شهرستان‌های اطراف و ۵۳نفر در بهکده رضوی که نزدیک آشخانه قرار دارد، اشاره می‌کند. وظیفه انجمن این است که مستمری ماهانه را از خیران و ۱۵میلیون تومان کمک دانشگاه علوم پزشکی مشهد را جمع‌آوری و به حساب اعضا واریز کند؛ «هرماه مبلغی حدود ۳۵ تا ۳۶میلیون تومان مستمری از حساب انجمن خارج می‌شود.» ایزدی درباره چگونگی توزیع مستمری‌ها می‌گوید: مبلغ مستمری هر فرد برمبنای معلولیت، سن، شرایط فردی و موارد دیگر تعیین شده‌است؛ به‌عنوان مثال برخی از این افراد بازنشسته ارگان یا سازمانی هستند و فقط برای حمایت از آن‌ها مستمری پرداخت می‌کنیم. واریزی هر فرد از ۲۰هزار تومان شروع می‌شود تا ۶۰۰هزار تومان. به گفته او ۳۰نفر از مستمری‌بگیران، همسران سالم بیمارانی هستند که فوت کرده‌اند و به‌دلیل نداشتن سرپرست یا خانواده همچنان زیر پوشش هستند. دغدغه کنونی انجمن این روزها حفظ ارتباط با خیرانی است که ۶۰ تا ۷۰درصد آن‌ها تهرانی هستند و به سنت گذشته به این بیماران وفادار مانده‌اند؛ «هرماه کمک‌ها را جمع می‌کنیم. بخشی یا تمام هزینه‌های بستری و جراحی مجذومان را پرداخت می‌کنیم و با داروخانه‌ای نزدیک بیمارستان هاشمی‌نژاد قرارداد بسته‌ایم که تا ۲۰درصد هزینه داروی همه اعضای خانواده مجذومان را با هر نوع بیماری کاهش دهند و ما آن را پرداخت می‌کنیم.» منازل مجذومان اگرچه بیشتر در محدوده خیابان‌های طلاب، وحید، گلشهر، گلشور و پنجتن است، به گفته قائم‌مقام انجمن، این موضوع حالا دیگر فرق چندانی در نحوه زندگی جذامی‌ها ایجاد نمی‌کند. او می‌گوید: در خیابان وحید، مسجدی داریم به نام امام‌علی(ع) که مخصوص جذامی‌ها بوده است اما مردم عادی هم در آن نماز می‌خوانند و در مراسم مختلف آن شرکت می‌کنند.

گیاه‌فروش یا موادفروش؟

تکتم جاوید
t.javid@shahraranews.ir

گزارش روز





عکس: مهر

عطاری‌ها، قدیم چندتایی بیشتر نبودند حالا اما تعدادشان خیلی بیشتر شده است و می‌توان در هر خیابان -دست‌کم- یکی‌دو تا پیدا کرد. اسمشان اگرچه فرقی نکرده، شمایل کارشان به‌کلی عوض شده است. شیشه یا ویترینشان پر شده از کاغذهای کوچک و بزرگی که خاصیت گیاهان دارویی را شرح داده و هرکدام را برای درمان قطعی یک بیماری پیشنهاد کرده است. آن چیزی را تبلیغ می‌کنند که می‌دانند بازار داغی میان مردم دارد؛ معجزه لاغری، چاق‌شدن صورت و کل بدن، ترک اعتیاد دائم، تقویت قوای جنسی، درمان همیشگی مشکلات پوستی، پیشگیری و درمان کرونا و خلاصه نسخه نهایی درمان. داروهایی که تأییدیه‌ای ندارند و بیشتر، ساخته خود فروشنده هستند و ضمانت چندانی برای نتیجه‌بخش بودن ندارند. جالب اینجاست که هربار اعتراضی یا عوارضی در این زمینه پدید می‌آید خریدار متهم می‌شود که دستور استفاده را درست رعایت نکرده، وگرنه این دارو آب روی آتش بوده است! تمام این موارد را بگذارید کنار این اصل که هیچ‌کدام از عطاری‌ها طبق قانون، اجازه نسخه‌پیچی و ساخت دارو ندارند.

فروشندگان خیلی جوان به‌جای عطارباشی‌ها

همه‌جور جنسی در عطاری کوچکش پیدا می‌شود؛ هم گیاهان فله و هم عرقیجات. سمت دیگر و جایی نزدیک پیشخوان، داروهای بسته‌بندی‌شده با پایه گیاهی هم هست. از روی برگه پشت شیشه عطاری‌اش، سفارش داروی لاغری می‌دهم. بسته پودر سبزرنگی را مقابل چشمانم می‌گذارد و دستور مصرفش را می‌دهد. علاقه‌ای به آوردن نامش در گزارش ندارد اما در دفاع از دارویی که روی پیشخوان گذاشته است، می‌گوید: این‌ها که تخلف نیست؛ همان گیاهان ساده مثل زیره و شوید را که همه می‌شناسند ترکیب کرده‌ایم تا مصرفش آسان‌تر باشد. شما اگر دوست دارید گیاه را ببرید و آسیاب کنید.

فروشنده مغازه دوم هم مانند قبلی جوان است، خیلی جوان. نباید بیشتر از ۲۰ یا ۲۲سال داشته باشد. انواع داروهای ترکیبی را دارد. می‌گوید: هر عطاری برای خودش یک نسخه مشخص درمانی دارد. اگر قرار باشد نسخه‌هایمان را به مشتری بگوییم که نمی‌شود کاسبی کرد. رمز کار عطارهای قدیم هم همین نسخه‌های فردی‌شان بود. او هم اگرچه تأییدیه‌ای برای اثربخشی داروهایش ندارند، معتقد است ترکیباتی که با داروی گیاهی درست شوند، عوارضی ندارند.

طبق قانون، این افراد فقط باید گیاهان دارویی را به‌فروش برسانند و نسخه‌پیچی نکنند اما استقبال از داروهای گیاهی در این سال‌ها سبب شده است که نه‌تنها عطاران نسخه بپیچند، که برخی افراد ناآشنا به خواص داروهای گیاهان نیز وارد این حرفه شوند. مسیری را در بالای شهر در پیش می‌گیریم که چند مغازه عطاری در آن فعال است. در هر مغازه، نام چند گیاه دارویی را به فروشنده می‌گوییم. دو نفر حتی توان تلفظ نام گیاه را ندارند و دو نفر هم، آن را با یک گیاه دیگر اشتباه می‌گیرند. خلاصه نه کسی آن گیاهان را دارد و نه خاصیتش را می‌داند. فروشندگان جوان پشت دخل، همه تصورات آدم را از عطارباشی‌های قدیم، به هم می‌ریزند. وقتی فروشندگان جوان و بی‌تجربه، نگاهشان به مغازه عطاری مانند سوپرمارکت یا بوتیک است، باید هم فقط به درآمد فکر کنند، حالا به هر روشی که ممکن است! شاید همین است که فروش داروهای غیرمجاز در عطاری‌ها افزایش یافته است. اگرچه «عطاری‌هایی که داروهای غیرمجاز تهیه می‌کنند، مشتری خود را می‌شناسند و این داروها را پشت ویترین مغازه نمی‌گذارند، کافی است شخص معتمدی را واسطه کنید تا به شما هم بفروشند.» این جمله را از جوانی می‌شنوم که می‌گوید: معجون بیرجندی و متادون خواستی، برو پیش فلانی و بگو من رفیق فلانی هستم.

۲۰۰ تا ۳۰۰ عطاری غیرمجاز در شهر

پیش از هر اظهارنظری لازم است صحبت‌های متصدیان این صنف یعنی اتحادیه فروشندگان گیاهان دارویی مشهد را بشنویم؛ اتحادیه‌ای که به گفته معاونش، رسول رضائیان، ۷۵۰عضو پروانه‌دار مجاز و ۳۰۰عضو درحال تهیه پروانه دارد. تأکیدش بر این است که هیچ فروشنده گیاهان دارویی، حق تجویز نسخه و تولید دارو ندارد و همه این‌ها تنها فروشنده هستند اما در ادامه به متخلفان هم اشاره می‌کند: براساس بازرسی روزانه تیم‌های گشتی تخمین می‌زنیم نزدیک به ۲۰۰ تا ۳۰۰عطاری بدون مجوز به‌خصوص در مناطق حاشیه شهر وجود داشته‌باشد.

سرکشی‌های روزانه‌شان با وجود ۱۰بازرس برقرار است و دوبار در هفته هم مأموران اداره اماکن را همراهی می‌کنند. به گفته او در بررسی از مغازه‌های بدون مجوز اگر مواد مخدر کشف شود در همان لحظه، مهروموم می‌شوند و اگر موادغیرمجاز نداشته‌باشند، اخطار پلمب ده‌روزه داده می‌شود تا برای گرفتن پروانه به اتحادیه مراجعه کنند.

حرفش این است که تخلف در مغازه‌های عطاری شامل فروش همه داروهای قاچاق، داروهای دست‌ساز و درمجموع ترکیباتی است که مواد داخل آن مشخص نباشد. آن‌طور که از گفته‌های رضائیان برمی‌آید، عطاری‌ها تنها مجازند برای فروش گیاهان به بیماران مشاوره بدهند و گیاهان باید به‌شکل کامل به بیمار داده شود تا خودش آن را آسیاب کند. هیچ نوعی از دارو و ترکیب نباید فروخته شود. آن‌طور که از صحبت‌های او برمی‌آید، روش‌های مختلفی برای دسترسی به متادون یا داروهای قاچاق خارجی وجود دارد که نمی‌توان مانع آن شد.

سخن دیگر معاون اتحادیه فروشندگان گیاهان دارویی در دفاع از عطاری‌هاست؛ آن هم وقتی می‌پرسم «پس نوشته‌های پشت شیشه چه معنی دارد؟»؛ می‌گوید: این اشتباه فروشندگان است؛ زیرا آن‌ها درحقیقت به عرقیجات استانداردی اشاره می‌کنند که درمان این دردهاست. به آن‌ها توصیه کرده‌ایم کلمه «عرق» را کنار آن بیماری‌ها بنویسند تا سوءتفاهم نشود.

شکایت‌ها اندک است!

رضائیان درباره تعداد شکایت‌های مردمی رقم شایان توجهی ندارد و اضافه می‌کند: از ابتدای سال جاری کمتر از ۲۰شکایت مردمی داشته‌ایم. کم‌بودن شکایت‌ها به‌دلیل بازرسی و تذکرات مداوم ما به فروشندگان است. باوجود نکته‌های وی اما شنیده‌ها نشان می‌دهد تخلف در عطاری‌ها به‌آسانی انجام می‌شود؛ زیرا آن‌ها هم مانند هر صنف دیگری، روش‌های پنهان‌کاری را می‌دانند.

او ضمن دفاع از افراد صاحب‌نام و متعهدی که در این صنف خدمت می‌کنند، تخلف‌ها را می‌پذیرد اما اصرار دارد که میزان آن‌ها مانند دیگر اصناف است؛ «همان‌طور که در همه صنوف تخلف وجود دارد در صنف ما هم هست، اما نباید منکر تلاش‌های این گروه برای نجات جان افراد شویم.»

تجویز مخدر برای ترک اعتیاد و لاغری!

اینکه می‌گویند و شنیده‌ایم داروهای لاغری یا ترک اعتیاد، خود حاوی انواع مواد مخدر است، درست است. یعنی برای رهایی از یک مشکل، خود را از چاله به درون چاه می‌اندازیم. از وابستگی به اعتیاد خود جدا شده و به دارویی وابسته می‌شویم که ماده مخدر دارد. وحید اشرفی، جانشین دبیر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر استان، به انواع مواد مخدری اشاره می‌کند که در کشفیات و بررسی‌های کارشناسان به آن‌ها رسیده‌اند؛ «درصد بسیار زیادی از داروهای ترک اعتیاد گیاهی یا لاغری که در عطاری‌ها به فروش می‌رسد، حاوی موادمخدر است. در ترکیبات اغلب این محصولات، آمفتامین مثل شیشه وجود دارد. همچنین استفاده از ترکیبات کدئین و خود تریاک هم فراوان دیده‌شده است و از همه خطرناک‌تر و رایج‌تر متادون است. مصرف ترامادول باعث می‌شود که فرد احساس سرخوشی و شادابی پیدا کرده و تصور کند که مصرف آن دارو در ترک اعتیادش مؤثر بوده‌است. «متادون که مجوز فروش آن تنها در مراکز درمانی ترک اعتیاد داده شده است، از لحظه تولید در کارخانه تا حمل‌ونقل و توزیع در مراکز، امکان انتقال به دیگران را دارد.» این جمله را اشرفی با تأکید اضافه می‌کند و اینکه در موارد بررسی‌شده متادون وارداتی از کشورهای همسایه یا استان‌های دیگر هم دیده‌شده‌است. او همچنین به دیگر روش متخلفان اشاره می‌کند و می‌گوید: برخی نیز اقدام به کاشت مواد مخدر از ترکیبات شاهدانه و حشیش در گلخانه می‌کنند که برای مصارف این‌چنینی استفاده می‌شود. جانشین دبیر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر استان، تلاش‌ها برای شناسایی متهمان را تازمانی که شهروندان به چنین افرادی اعتماد می‌کنند و با وسوسه قیمت‌های ارزان، راضی به استفاده از هر ماده‌ای می‌شوند که هیچ نام و نشانی ندارد، بی‌اثر می‌داند.

اتحادیه فروشندگان گیاهان دارویی، تنها نهاد متولی تخلفات یا بازرسی از اعضای این صنف نیست. دانشگاه علوم پزشکی مشهد نیز در سرکشی‌های دوره‌ای تخلفات را شناسایی و گزارش می‌کند، همچنان که براساس آمارهایشان از ابتدای امسال حدود ۵۰۰بازرسی انجام شده است و ۸۴ واحد صنفی متخلف شناسایی شده‌اند.

دکتر علیرضا رضائی‌خراسانی، رئیس اداره نظارت بر فراورده‌های طبیعی، سنتی، مکمل و شیرخشک معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دراین‌باره توضیح می‌دهد: بازرسی‌های مستمر به‌صورت درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی همراه با مأموران اداره اماکن، پلیس مبارزه با موادمخدر، سازمان صنعت، معدن و تجارت، معاونت درمان دانشگاه و همچنین ارائه مطالب آموزشی به اعضا، از برنامه‌های مداوم است. به گفته او تعداد بازدیدهایشان یک‌ونیم‌برابر تعداد عطاری‌های مجاز در سال است. هم بازرسی‌های سرزده دارند و هم پس از اعلام شکایت. دکتر رضائی‌خراسانی این نکته را هم تأکید می‌کند که این صنف مجاز به فروش مواد مخدر و شبه‌مخدر، مواد روان‌گردان، کالاهای قاچاق، ترکیبات دست‌ساز، مخلوط و بسته‌بندی چند ترکیب، محصولات بدون اصالت ایرانی و غیرمعتبر و فروش هرگونه داروی گیاهی خارج از زنجیره تأمین نیست و متخلفان با معرفی به مراجع قانونی و قضایی مجازات خواهند شد. افرادی که از مصرف داروها آسیب دیده‌اند، می‌توانند برای اعلام شکایت به سازمان معاونت غذا و دارو، اداره نظارت بر فراورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل مراجعه کنند.

۵۰۰ بازرسی و شناسایی ۸۴ متخلف

دنیای مجازی؛ بهشت فروشندگان داروهای غیرمجاز



ارائه داروهایی با نام گیاهی و اثرگذاری مبهم و اعتیادآور، تنها به عطاری‌های متخلف محدود نمی‌شود. افراد بسیاری با راه‌اندازی یک شبکه اجتماعی و عضوگیری، اقدام به فروش داروهایی می‌کنند که گاه پیامدهای خطرناکی به همراه دارد. دارو را در کپسول می‌ریزند و به خورد کسانی می‌دهند که با ساده‌لوحی قصد دارند با مصرف یک قرص، لاغر شوند یا اعتیادشان را ترک کنند. شهروندی در یکی از شبکه‌ها با ارسال تصویری از یک بسته کپسول سیاه‌رنگ و بی‌نام و نشان نوشته است: این قرص‌ها را به اسم لاغری در مشهد می‌فروشند. فقط یک شماره تماس دارند که زنگ می‌زنید و به هر آدرسی تحویل می‌دهند. مادرم دو شب خواب نداشت و سردرد می‌شد. این دارو را به‌واسطه فرد دیگری که خورده و لاغر شده بود، خریده بود.

«فضای مجازی و اینترنت به‌راحتی بازیچه دست سودجویانی می‌شود که تمایلی به نشان‌دادن چهره واقعی خود ندارند و به‌دنبال درآمد می‌گردند.» سرهنگ جواد جوانشیری، رئیس پلیس فتای خراسان رضوی، فعالیت متخلفان در حوزه دارو و ترکیبات دارویی با ادعای گیاهی‌بودن را تأیید می‌کند و می‌گوید: در دنیا با خرید و فروش دارو در فضای مجازی مخالفت می‌شود؛ زیرا به‌دلیل سروکار داشتن با جان افراد باید مراحل قانونی سیستم دارویی کشور را پشت سر بگذارد و دارای استانداردهای معتبر باشد.

او به نمونه‌ای اشاره می‌کند که فرد مبتلا به بیماری صرع در خیابان دچار حمله شده بود و پس از انتقال به مرکز درمانی مشخص شد وی داروی خودش را مصرف نکرده و دارویی را که اینترنتی خریده، مصرف کرده است. البته تحقیقات روی دارو هم مشخص کرد که کپسول مصرفی او خالی بوده و فقط پولی را به جیب فرد یا افرادی روانه کرده است.

سرهنگ جوانشیری با اطمینان از پیگیری و جرم‌یابی ۲۴ساعته پلیس در شبکه‌های مجازی، از شهروندان می‌خواهد موارد مشکوک فروش دارو را به پلیس اطلاع دهند. همچنین درصورت متضررشدن از مصرف داروی غیرمجاز می‌توانند با مراجعه به دادسرای جرائم رایانه‌ای اعلام شکایت کنند.

اگرچه نهادهای متولی و نظارتی فراوان‌اند، وسوسه کاسبی پرسود و بی‌دردسر و بودن کسانی که در هر شرایطی، تبلیغات را باور می‌کنند، بازار تخلفات را گرم نگه‌می‌دارد. همین است که شناسایی و دستگیری متخلفان و از آن سو شکایت آسیب‌دیدگان ادامه دارد.

شهرآرا
روزنامه شهروند
۳شنبه
۰۷ بهمن ۱۳۹۹
۱۲جمادی‌الثانی ۱۴۴۲
شماره ۳۳۰۹
SHAHRARANEWS.IR

رئیس اتحادیه فروشندگان گیاهان دارویی مشهد: اتحادیه ۷۵۰عضو پروانه‌دار مجاز و ۳۰۰عضو درحال تهیه پروانه دارد. هیچ فروشنده گیاهان دارویی، حق تجویز نسخه و تولید دارو ندارد و همه این‌ها تنها فروشنده هستند. براساس بازرسی روزانه تیم‌های گشتی تخمین می‌زنیم نزدیک به ۲۰۰ تا ۳۰۰عطاری بدون مجوز به‌خصوص در مناطق حاشیه شهر وجود داشته‌باشد